



۲۰۱۴/۰۵/۱۸

محمد علی سمیع

اصلاحات و همگرایی یا از هم گسیختگی و سر بخود گرایی؟

آخر انتخابات افغانستان در دور اول بی نتیجه باقی ماند و کار به دور دوم کشید، این موضوع به همه معلوم بود زیرا کاندیدان قوی و بلند موقف، با بستر های بی سابقه و متحیر کننده خود موضوع را روشن ساخته بودند، اما یگانه شخصی که تا آخرین دقایق اظهار آمادگی نمود تا انتخابات به دور دو نرود، داکتر عبدالله عبدالله با چند یار نزدیک و هم رزمش، رهبران تیم اصلاحات و همگرایی، بودند که گاه اینگونه و گاه آنگونه صحبت می کردند و به شکلی از اشکال، بر آن بودند تا چرخ انتخابات را به کام خود بچرخانند و برنده شوند. در این جریان، چیزی که در تیم اصلاحات و همگرایی بیشتر از همه محسوس بود، از هم گسیختگی و سر بخود گرایی های بود که بر اوضاع این تیم حاکم بود و باعث تزلزل موقف رهبر، نماینده، سخنگو و پیروان این تیم شده بود. بناءً، در این مقاله به صورت کوتاه اما ماده وار، همین جریان یاد شده را در محراق توجه قرار می دهیم تا بتوانیم برای دور دوم فضای جدید را پیشبینی کرده باشیم.

در فوق ادعا نمودیم که از هم گسیختگی و سر بخود گرایی ها در تیم اصلاحات و همگرایی از همه بیشتر محسوس بود. این مورد در حقیقت بعد از اعلان نتایج قسمی و ابتدائی بر ملا شد، مخصوصاً در موضعگیری های سطح اعلی ائتلاف ملی از قبیل: رهبر ایشان، استاد محقق، صالح ریگستانی، استاد عطا محمد نور ... و همچنان سمیع الله صمیم وکیل در ولسی جرگه (طرفدار تیم اصلاحات و همگرایی) و اعضای دارالانشاء ائتلاف ملی که گاه گاهی در مخالفت صریح با موضعگیری های یک دیگر قرار داشتند (موارد زیاد وجود دارد، اما در اینجا تنها به نمونه های بارز و شاخص می پردازیم).

این مخالفت ها در برابر موضعگیری عبدالله عبدالله، اولین بار توسط صالح ریگستانی در یکی از برنامه های تلویزیون طلوع آغاز شد. آقای ریگستانی به موضوع آمدن سیل اشاره نمود و گفت که "این سیل شاید کمیسیون مستقل انتخابات را ببرد، شاید هم حکومت را ببرد و حتی امکان تجزیه افغانستان هم می رود". موضعگیری آقای ریگستانی از آنجا با موضعگیری داکتر عبدالله عبدالله در مخالفت صریح قرار داشت که عبدالله عبدالله در روز ثبت نام در کمیسیون مستقل انتخابات به موضوع نداشتن برنامه برای تجزیه افغانستان اشاره نمود و از مردم خواست تا در این مورد آسوده خاطر باشند زیرا ایشان به افغانستان واحد می اندیشند و همین موضعگیری را تا آخرین دقایق اعلان نتیجه هم حفظ نمود. خوب به هر حال، این اولین مورد بود که مردم افغانستان را یک مقدار تکان داد و برای مخالفین سیاسی چانس برای نقد را مهیا ساخت. نباید فراموش شود که مردم افغانستان را نباید با کلمات تجزیه افغانستان تهدید کرد زیرا این یکی از حساس ترین موارد در افغانستان می باشد و هر کی این را استفاده کند پس به تحقیق که خود را از بدنه مردم افغانستان جدا ساخته ننگ تاریخ را بر خود گرفته است.

خوب اگر در تعقیب رخداد ها و موضعگیری های دوران انتخابات و اعلان نتایج، دقت نموده باشیم پس این دومین مورد بود که با لحن تهدید آمیز به کمیسیون مستقل انتخابات، حکومت و ملت افغانستان پیام فرستاده شد،

همینکه این موضوع عام شد و در برنامه های بعدی مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت، سخن اما گویان تیم اصلاحات و همگرایی بدرستی نمی توانستند از سخنان آقای ریگستانی دفاع کنند و به گونه ای به تلافی کردن و دیگرگون جلوه دادن این پیام کوشش می نمودند.

■ - مثال دوم که تقریباً در مرکزیت تحلیل و ارزیابی فعلی ما قرار دارد، استاد عطا محمد نور می باشد. استاد عطا چون در این اواخر یگانه بزرگترین چهره بیرون از کابل شناخته می شود، همیشه به مثابه نقطه فشار در برابر برنامه های حکومتی که خودش در آن والی است، قرار گرفته است. ایشان همیشه کابل را با اتهام گذشتن از خط قرمز با استفاده از ادبیات جنگ طلبانه تحت تهدید قرار داده است که مسأله تذکره های الکترونیکی نیز یکی از مثال ها شده می تواند و همچنان اعلان "تحریم نمودن حکومت آینده در

صورت دستبرد به رأی داکتر عبدالله در روز انتخابات، بی جواب نماندن "خیانت" های کمیسیون انتخابات دولت از مزار تا کابل و اخیراً اینکه در کمیسیون انتخابات افراد جاهل و خائن وجود دارد که بار بار صندوق های عبدالله عبدالله را حساب می کنند، جناب ایشان اگر پایند قانون نباشند و مردم خود را بگذارند تا مطابق میل خود هر چه بکنند پس دیده خواهد شد که چه خواهد کردند"، از جمله مواردی بودند که مباحث برنامه های خبری و گفت و گو های تلویزیونی رسانه ها را در افغانستان رنگینتر و پر علاقمند تر ساخته بود. چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد، اینست که استاد عطا همیشه به دفاع از عبدالله عبدالله از آدرس شخصی خود صحبت کرده و هیچگاه هم از آدرس تیم اصلاحات و همگرایی صحبت ننموده است که این خود نشان میدهد، عبدالله عبدالله در رأس اندیوال های خود همچو احمد شاه مسعود، قرار ندارد بل تنها از لحاظ مصلحت های عمیق سیاسی و اجتماعی از طرف بزرگان تیم، به نامزدی قبول شده است که این کار در بستر های سیاسی همیشه دمباله رو بودن را در قبال میداشته باشد تا رهبر بودن.

این گفته های استاد عطا یکبار دیگر سخن گویان و طرفداران تیم اصلاحات و همگرایی را دچار تزلزل ساخت، هیچ یک از ایشان آماده برای دفاع از استاد عطا نبودند و نمی توانستند از زبان جنگ طلبانه در مباحث سیاسی استفاده کنند.

یگانه شخصی که توانست از موضع استاد عطا به شکل روشن و آشکار دفاع کند، سمیع الله صمیم بود که به تمام سخنان اخیر استاد عطا مهر تائید گذاشت. وکیل صاحب نه تنها به تائید سخنان ایشان پرداخت بل به بعضی مسائل دیگر هم اشاره نمود از قبیل: "جواب این مردم را هیچ کس داده نمی تواند، آن وقت استاد عطا سازمان دهی نکرده بود که دو صد یا سه صد نفر از کوتل خیرخانه به پا خواست و تمام کابل سقوط کرد، واضح می خواهم بگویم که امروز مارشال فهیم وجود ندارد که بیاید و انتخابات سال ۱۳۸۸ را مدیریت بکند و مقابل همقطاراننش، هم تیمش و دوستای نزدیکش قرار بگیرد و بگوید که اجازه نمی دهم کس افغانستان را به بحران ببرد. «و در آخر هم به لحن بسیار تند به طرف مقابل که " با گرفتن نام استاد عطا، اول شما باید دهن خود را بسیار مسواک بزنید، نام استاد عطا این قدر بزرگ است این را واضح برتان میگم که اول باید دهن تان مسواک زده شود بعد بر علیه او گپ بزنید».

خوب به هر حال، اما متهم ساختن مارشال فهیم بر تحمیل انتخابات که الزاماً مشروع نبود، چنان مفهوم را ارائه میکند که :

❖ گویا مارشال، خیانت ملی را در برابر مردم افغانستان انجام داده است که چنین موضعگیری در مخالفت شدید با دیدگاه های ائتلاف ملی قرار دارد.

❖ و همچنان این که دو صد نفر اگر از کوتل خیرخانه به پا خیزد چه معنی را افاده می کند هم باید مورد غور و بررسی قرار گیرد زیرا عبدالله عبدالله تا حال به این دو مورد جواب روشن ارائه ننموده است، اما در موضعگیری های خود چنین چیزی را یاد هم نکرده است.

■ - خوب یگانه موردی که از اول تا آخر ستراتیژی تیم اصلاحات و همگرایی بود، همان بی اعتبار سازی کمیسیون انتخابات در افکار عامه با استفاده از اتهام هایی بود که عینیت و حقانیتش تنها نزد خود ایشان ثابت بود نه در برابر مردم، بار ها در کنفرانس های خبری سند ارائه کرده اند و خلاف ارقام موجود در سند، نام کاندید دیگر را گرفته اند که چند بار بعد از دقیق شدن گرداننده، این موضوع به علاقمندان معلوم شد. به همین منوال آخرین ادعا هایی که در مورد تقریباً یک ملیون رأی از طرف معاون تیم اصلاحات و همگرایی صورت گرفت و یک روز قبل از اعلان نتایج از طرف عبدالله عبدالله هم تائید شد، نیز از همان ستراتیژی سرچشمه داشت.

۱- تلویزیون طلوع، برنامه تاکنی:

<http://www.tolonews.com/en/takani/۱۴۸۰۲-takani-runoff-will-face-delays-iec>

این که کمیسیون ها باید متهم به خیانت و این و آن می شدند، موضوعی بود که بخش اعظم از صحبت های عبدالله عبدالله را در بیانیه های ما قبل و ما بعد انتخابات تشکیل نموده بود، اما از هم گسیختگی و سر بخودگرایی ها از آنجا روشن شد که هر حامی تیم اصلاحات و همگرایی مطابق به میل و دیدگاه خود، بدون هماهنگی و تشریک مساعی، موضعگیری می نمود و به پیامد های گوناگون اشاره نموده مردم افغانستان را به گونه ای تحت تهدید قرار می داد که قسمت بزرگ این موضعگیری ها با موضعگیری عبدالله عبدالله در مخالفت قرار داشت زیرا او هیچگاه ستیزمندان صحبت نکرده است، او تنها کمیسیون ها را متهم به کند کاری و اشتباه نموده برای مردم وعده دفاع از رأی شان را داده است نه چیزی دیگر.

■ - حال که صحبت از تیم اصلاحات و همگرایی می نمایم، باید به موضعگیری های معاونین عبدالله عبدالله هم نگریم زیرا ایشان اصل مهم این تیم را تشکیل می دهند و نباید نادیده گرفته شوند.

تا حال از دو معاون که در این تیم وجود دارند، آگاهان موارد ستیزمندان از آگاهان و ناظران انتخاباتی به مشاهده نرسیده است. معاون اول عبدالله عبدالله، چندان علاقه به موضعگیری را از خود نشان نداده است و تنها انتظار است که دیگران کار را به کجا می کشانند، اما از آنجائیکه معاون دوم عبدالله عبدالله، شخص فعال و شناخته شده سیاسی کشور می باشد، از آغاز کمپاین ها تا حال دارای موضعگیری ها و سخنرانی های زیاد بوده است. چیزی که باید مورد توجه قرار داشته باشد، و اینکه حاجی محمد محقق با وجود به ارمغان آوردن رأی چشمگیر به تیم اصلاحات و همگرایی، هیچگاه حاضر به بیانیه های ستیزمندان و جنگ طلبانه در برابر تیم مخالف و حکومت، نشده است، حتی هنگامی که در مورد تجزیه افغانستان که دوستی به تیم ایشان اتهام بسته بود سوال شد، در جواب خبر نگاران به دفاع کامل از تیم خود نپرداخته است و از دوستی و روابط دیرینه خودش با جنرال دوستم یاد آوری نموده، موضوع را به سمت دیگر مسیر داده است. در بعضی موارد به خبر نگاران حتی گفته است که سؤال در مورد ادعای جنرال دوستم خلاف پروتوکول مصاحبه می باشد و خبر نگار عهد شکنی نموده این سؤال را پرسیده است. یعنی چنان معلوم می شود که حاجی محمد محقق، طرفدار تیره سازی اوضاع با تهدید های خونین و جنگ طلبانه، نیست و نمی خواهد خود را و مردم خود را وارد حوزه های کشمکش بار سیاسی و نظامی سازد زیرا او می داند، راه حل را نباید در "برگشت به گذشته" جست و جو نمود و اینکه جنگ راه حل نیست، مسأله ایست که مردم افغانستان به این حقیقت رسیده اند. این خود یکبار دیگر نشان می دهد، موضعگیری های افراد فوق الذکر با موضعگیری دو معاون تیم اصلاحات و همگرایی هم در مخالفت قرار دارد و هیچگونه هماهنگی در میان سطح عالی این تیم موجود نیست.

جالبتر از همه اینکه عبدالله عبدالله، مطابق به برنامه سازماندهی شده از طرف تیم اصلاحات و همگرایی یک روز قبل از اعلان نتایج نهایی، اشاره به یک میلیون رأیی که از نظر ایشان زیر سؤال قرار داشت، نموده و اعلان کرد، اگر کمیسیون های انتخابات به این مسایل رسیدگی نکنند پس نتایج قابل قبول نمی باشد. ^۲ اما این ادعا ها همه از طرف کمیسیون های مربوط، بی اساس خوانده شد و ایشان با صراحت کامل به دفاع از سیستم کمپیوتری خود پرداخته مردم را به تفتیش کار خود دعوت نمودند.

خوب چنانچه به همه معلوم است، عبدالله عبدالله بعد از اعلان نتایج، مجبور به تغییر جهت کلی شد و فیصله کمیسیون را قبول کرد، حتی به سؤالی که مخصوصاً در مورد ادعا های روز قبلی صورت گرفت، به گونه سر سری پرداخته گفت، "نتیجه نهایی است و از طرف ما قابل قبول می باشد، میرویم به دور دوم".

از آنجائیکه حامیان از هم گسیخته و سر بخود تیم اصلاحات و همگرایی، اوضاع سیاسی را بیش از حد کشمکش بار ساخته بودند و مخصوصاً ادعا های بی بنیاد آخر، حالت را چنان ساخته بود که شاید عبدالله عبدالله نتیجه نهایی انتخابات را قبول نکند، اما از آنجائیکه در بالا تذکر دادیم، چون خود را در میان تیم خود نهایت تنها و بی پشتوانه دیدند، مجبور به قبول نتیجه شدند و دست از تمام خیز و جست های جنگ طلبانه برداشتند که این جریان در کل تیم

۲- صفحه فیسبوکی ائتلاف ملی افغانستان:

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=۲۶۰۲۸۲۰۲۷۴۹۲۳۹۲&set=a.۱۴۵۸۹۸۲۰۰۰۹۷۴۸۷,۱۰۷۳۷۴۱۸۲۸,۱۴۴۷۳۳۸۵۷۰۹۹۸۴&type=۱&theater>

اصلاحات و همگرایی را به شکست شان و موقف روبرو ساخت زیرا رهبر متزلزل الحال جز دلگرفتگی و افسردگی روحی چیزی دیگری به پیروان خود هدیه داده نمی تواند و اگر رأی عبدالله عبدالله در دور دوم تنزلی یابد پس بر مبنای همین موضوع می باشد.

حال هر چه بود گذشت، اما در کل باید گفت که رهبری دولت افغانستان، رهبری کمیسیون های دوگانه و رهبری تیم تحول و تداوم، اوضاع را درست درک نموده با بی اعتنائی تمام در مورد تمام تهدید های گوناگون استقرار فکری خود را حفظ نموده از بحرانی شدن اوضاع جلوگیری کردند زیرا همین که مردم رأی دادن را بر تفنگ برداشتن ترجیح داده اند، خود نشان می دهد که صلح و آرامش آرزوی دیرینه مردم افغانستان هست، همه می دانست که چنین تهدید ها فاقد پشتیبانی مردمی می باشد و نباید به این مسایل دقت نمود چنانچه از تغییر ۱۸۰ درجه ای عبدالله عبدالله در روز اعلان نتایج نهائی و عکس العمل کسانی که بجز تهدید چیزی به گفتن نداشتند، بخوبی این موضوع معلوم شد. ایشان تنها برای بدست آوردن لال، مردم را می ترساندند، اما اگر مردم نترسید پس هر چه باشد یا قبول میکنند و یا هم وضعیت را چنان میسازند که مشروعیت حکومت آینده زیر سؤال برود و مجبور به تأدیة سیاسی شود همچو انتخابات سال ۱۳۸۸ که تمام طرف های مخالف توانستند قدرت خود را حفظ کنند و به ادامه وضعیت بپردازند که نتیجه به میان آمدن یک حکومت ضعیف و از هم گسیخته شد.

همینکه عبدالله عبدالله اعلان کرد، یگانه رقیب وی ثقلب می باشد پس راه فرار ستراتیژیک خود را ترسیم نمود زیرا این پالیسی چنان معنی را افاده می کند که در اخیر تنها رأی تخصیص داده شده به تیم اصلاحات و همگرایی، قابل قبول و دور از ثقلب می باشد و باقی همه بر مبنای ثقلب استوار است (فراموش نشود که ثقلب کار بزرگ از طرف تیم اصلاحات و همگرایی در دور اول زلمی رسول بود که حال در کنار عبدالله عبدالله قرار دارد)، به هر صورت و به هر اندازه ای که باشد زیرا اگر رأی رقیب به رسمیت شناخته شود پس حکومت آینده مشروعیت ملی را حاصل می نماید و آماده برای تأدیة نخواهد شد.

در کل باید گفت، هر گاه تیم یا گروه سیاسی روی مقاصد افراد «همگون نیاندیش» به میان آید، هیچ گاه موضع ثابت و استقرار فکری را در میان افراد خود حفظ کرده نمی تواند که این جریان در تیم اصلاحات و همگرایی از سطح اعلی تا ادنی بصورت موردی وجود دارد و به همین خاطر نتوانستند از آغاز تا انجام در یک موضع باقی بمانند.

خوب هر چه بود گذشت و افغانستان وارد مرحله جدید شد. کاندیدان پیشتاز با تیم های جدید و الزاماً با افکار و ستراتیژی های جدید، وارد میدان مبارزات انتخاباتی برای دور دوم می شوند. چیزی را که از دور اول باید آموخت، اینکه کاندیدان، اندک مسلکی تر از گذشته به موضعگیری بپردازند، از هم گسیختگی ها و سر بخود گرایی های دور اول را اصلاح سازند و مخصوصاً از استفاده زبان جنگ طلبانه در برابر ملت که با اشتراک خود ثابت نمود، سرنوشت خود را نه با تفنگ و خونریزی بل با رأی خود رقم می زند، خود داری جدی نمایند زیرا چنین کار ها باعث بدنامی در میان ملت صلح دوست و مردم سالار می شود و همچنان باعث فرار نزدیکترین اشخاصی خواهد شد که در دور اول با ایشان همگام بودند زیرا اگر راه حل در برابر دیدگاه مخالف همیشه لحن خشن و جنگ طلب باشد پس واضح است که هیچ کس امنیت خود را در پهلوی چنین تیم نمی بیند زیرا اگر در آینده اندک دیدگاه مخالف داشته باشد، شاید با او هم جنگ داغ اعلان شود و همه می داند که مردم افغانستان در چند دهه گذشته از این نوع اعمال دارای خاطرات و نقصان های عمیق اند و هیچگاه نمی خواهند به گذشته بر گردند تا جوی های خون شان توسط جنگسالاران و جنگ مذهبان جاری گردد. در مورد فرار مردم افغانستان از جنگ و جنگسالار، بگونه مثال در مقاله قبلی تذکر رفته است که در لینک ذیل میشود به آن دست یافت.^۳

۳- پشتون ها در مبارزه واقعی علیه جنگسالاران:

<http://www.taand.com/archives/۲۴۸۳۰>